

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۹ مهر ۹۳

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

حمد و سپاس پروردگار جلیل و عظیم و کبیر را سزاوار است که از آن اوست نام‌های مکنون و حسنا که روشنایی است بر هر روشنایی و روشن گردد به آن آسمان‌ها و شکافته شود زمین، غبار شود کوه‌ها، به خروش آید اقیانوس‌ها و چون حضرت موسی آن را خواند دریا شکافته شد، حضرت عیسی خواند مرده زنده شد و حضرت یونس خواند و از شکم ماهی نجات یافت، حضرت ایوب خواند از بیماری و گرفتاری رهایی یافت و فرود آمد به آن جبرئیل امین بر خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) پس بزرگ و بزرگ‌تر و کریم و کریم‌تر است پروردگار بی‌همتا نیست معبودی قابل سپاس و ستایش جز ذات اقدسش که از سر رحمتش انسان را از خاک آفرید و او را از خاک فرش تا عرش بالا برد و عزت و مقام بخشید و همگان را به زیر فرمانش دعوت فرمود. چه زیبا آن را سرور عالمیان کوثر الهی حضرت زهراى مرضیه (س) با فرمایشی گران‌قدر آن را توصیف فرمودند که رحمت پروردگار عالم آنگاه که فرمود: «ای انسان خورشید جانت را با یاد من بیفروز تا از علقه و نیازهایش به ثروتی که خود وعده فرمودم دست یابی. بر تخت سلطنت بنشینی و فرمان‌داریات را بر جان‌های مشتاق عرضه کنی، خاک را در زیر پاهای خود بفشاری تا از جانت جدا گشته و به زبان آید و عرضه دارد: ای پروردگارم آنگاه که امر فرمودی با تو قالبی می‌سازم و امر می‌کنم که تمام آفرینشم به تماشايت بر یکدیگر سبقت گیرند جانم مشتاقش شد. قالب ساخته شد و همگان به دیدارش آمدند و به تماشايش جانشان به حیرت افتاد. آنگاه ندایت را به گوش جان شنیدند که فرمودی او جانشین من است در زمین. در مقابلش به سجده درآید. همگان بر آستان خلیفه‌ات به سجده درآمدند و من به غروری مبتلا شدم که دیگر نامش خاک نبود. او سرور آفرینش بود در جان خلیفه، بر همگان سروری کردم تا زمانی که خلیفه سر بر آستان کبریاییات نهاد و خاک را با انوار کبریاییات از جانش به زمین هدیه کرد و خود با انوارت همراه شد من از جانش جدا شدم از تنهایی‌ام نالیدم. پروردگارم، خلیفه‌ام مرا از تار و پود جانش با انوار روح خداوندیات تنها

گذاشت و گنجینه‌اش را با خود همراه کرد، اینک از جفای او به درگاهت به استغاثه آمده‌ام، خاک فریاد می‌زند و پروردگار می‌فرماید: تو به دنبال خلیفه بودی و او تو را در آزمون‌های جاننش از خود جدا کرد تا نامش را در قالب بندگی‌اش به نمایش گذارد، اینک صدایت را خاموش کن و با آنانی که جز تو را به میراث نمی‌برند همراه شو.»

پس با این فرموده سرور عالمیان باید گفت واحسرتا، اکثریت انسان‌ها به دنیای خاکی دل بسته و پایبند آن شدند و آن را به میراث بردند و خود را از چنین عزت و رحمت و نعمتی محروم کردند و چه سعادتمند هستند معصومین عزیز و گرامی که همان لحظه‌ی اول خاک را از تن مبارکشان تکاندند و تا قرب الهی بالا رفتند که ما در این شب به سوگ یکی از ایشان در این کوی عشق دور هم جمع شدیم، ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیا، ابا جعفر، محمد بن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد. ایشان نیاز و کمبود جامعه‌ی اسلامی آن عصر را و دلیل کج روی‌ها و فریب خوردن آنان از مکر و نیرنگ سران منافق و ظلم را در عدم برخوردارگی آنان از علم و فرهنگ غنی اسلامی تشخیص دادند و نسبت به پایه‌گذاری و نشر علم الهی همت شایان نمودند و در این رابطه شاگردان زیادی تربیت نمودند و چون علم و دانش امام مانند امامان دیگر از وحی سرچشمه می‌گرفت در نتیجه همه‌ی دانشمندان چه دوست و دشمن معترف به شخصیت علمی امام شده و از محضر درس ایشان کسب فیض می‌کردند و شکوه علمی امام چنان درخشان بود که هر کجا سخن از دودمان پیغمبر به میان می‌آمد امام محمد باقر را یگانه وارث علوم و کمالات پیغمبر می‌دانستند و اعتراف می‌کردند که اینان خاندانی هستند که خداوند به زیور علم و دانش ایشان را آراسته است. سرانجام امام محمد باقر (ع) پس از سال‌ها رنج و زحمت و خدمت به فرهنگ و معارف اسلام در هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک ملعون مسموم و شهید شدند و بدن پاکشان در بقیع کنار امامان دیگر به خاک سپرده شد.

ایشان فرمودند: خداوند قلب بنده‌ای را پاک نکند تا این‌که تسلیم امر ما گردد، مطیع و پیرو صادق تعالیم ما باشد و با ما سازش کند و چون با ما سازش کرد خدا از حساب

سخت نگاهش دارد و از وحشت بزرگ روز قیامت ایمنش سازد و همچنین فرمودند: نور امام در دل‌های مؤمنین از پرتو خورشید تابان در روز روشن‌تر است، به خدا سوگند ائمه‌ی معصومین دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کند.

اینک ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس سرور و مولایمان بقیة الله ارواحنا لک فدا (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام محمد باقر (ع) خدمتشان اعلام می‌داریم که مولای ما اکنون که در صحرای عرفات و منا حضور دارید و آن صحرا و کوه را با وجود با برکتان منور فرمودید و آنان به خود می‌بالند که میزبان گهری چون شما هستند. کعبه، حجر الاسود، مسجدالحرام، عرفات، منا و سعی و مروه همگی و همیشه همان‌گونه‌ای که در این خطبه از فرمایشات شما نقل خواهیم کرد پذیرای شما و پدران‌تان بوده، چه آن زمانی که پدران بزرگوارتان حضرت ابراهیم (س) و حضرت اسماعیل (س) بر شتری سوار به صحرای منا وارد شده و از شتر پیاده شدند، حضرت ابراهیم (س) فرزند خود را مورد نوازش خودشان قرار دادند و سر مبارکش را به سینه چسباندند و بعد ریسمان باریکی آوردند و دست و پای حضرت اسماعیل را بستند و همین‌طور چشمان مبارکش را با روسری که بر سرش بود بستند و به پهلو روی سنگ خواباندند و چاقویی که مانند تیغ‌هی تبر بود آوردند و چاقو را بلند کردند و فرمودند حکم و فرمان فقط حکم و فرمان خداست و چاقو را محکم بر گردن حضرت اسماعیل کشیدند ولی اتفاقی نیفتاد و حضرت اسماعیل آسیبی ندید. پیامبر چاقو را به سنگی زد تا تیزی آن را امتحان کند، همه‌ی صحرا پر بود از فرشتگان و از سنگ‌ها صداهای بخصوصی شنیده می‌شد، در همان حال حضرت جبرئیل نازل شد و آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی مبارکه‌ی حج را تلاوت کرد: که گوشت و خون این شتران به خدا نمی‌رسد، آنچه به او می‌رسد پرهیزگاری شماست، همچنین آن‌ها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه‌ی آنکه هدایتان کرده است به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را بشارت ده؛ و حضرت اسماعیل از روی سنگ بلند شد و بجای او گوسفند بزرگی ظاهر شد که کاملاً تسلیم و سر را به سنگ گذاشت و آماده‌ی قربانی شد.

حضرت ابراهیم با تمام وجود فرزند را قربانی می‌کرد و به قدری پیر بود که زانوانش توان ایستادن نداشت ولی فرمان‌برداری از حق را به معرض نمایش برای همیشه تاریخ گذاشت و به خاطر رضای خدا از عزیزترین کس خود گذشت و چه آن زمانی که مادر گرامی‌تان حضرت زهرا (س) به اتفاق دو فرزند کوچکش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به کنار کعبه آمدند، امام حسین (ع) از مادر پرسید: مادر، آیا هنگام ساختن خانه به دست جدم حضرت ابراهیم (س) رسول‌الله هم شرکت داشتند، سرور عالمیان فرمودند بله، پدرم علی چطور؟ فرمودند بله، پرسیدند آیا من و حسن و شما چطور؟ فرمودند: به سنگ حجر الاسود سنگ آسمانی نگاه کن ما آن سنگ هستیم که در خانه‌ی خدا جا داده شده است. منظور سرور عالمیان از این امر شفاعت روز قیامت به واسطه‌ی سنگ می‌باشد که حتماً باید اتصال اهل‌بیت را داشته باشد.

پس مولای ما، یا وارث انبیاء و معصومین، اباصالح المهدی (عج) ما عاشقان و منتظران و ساکنان کوی مقدستان از شما تقاضا داریم دعا بفرمائید تا حجتی مقبول روزی ما گردد و به حجرالاسود شفاعت و سفارش فرمایید تا ما را نیز در زمان ظهور دولت حقه‌تان به کنار کعبه پیش وجود مبارکتان بیاورد که همان‌گونه‌ای که حجرالاسود فرموده: که سپاس و حمد پروردگار کریم را که آنچه را اراده کرد آفرید و من سنگی آسمانی هستم که در روی زمین به دستور و اراده‌ی خالق کریم قرار گرفتم تا زینت بخش خانه‌ی آن کریم یکتا باشم، از لحظه‌ای که به دستور و اراده‌ی خالق خود به این مکان آورده شده‌ام تا این لحظه که از زبان گویای پیامبر خلیل رحمان به سخن آمده‌ام چشم به آسمان دارم تا فرمان ظهور دولت خداوندی برسد و من به سخن بیایم و فریاد کنم که ای سایه‌ی عدل خداوندی دست بر من گذار تا از لب‌های تو فریاد کنم و یاران و دوستان را چون پروانه‌ای بگرد شمع فروزان هدایت گرد آورم، صدای من چون صدای طبل خواهد بود که انعکاس آن در جهان خواهد پیچید و دست یاران عدالت را خواهد گرفت و در یک چشم بر هم زدنی به مکه‌ی مکرمه و به کنار رکن یمانی خواهد آورد و یاران مهدی (عج) یکدیگر را خواهند دید و به هم تبریک و تهنیت خواهند گفت ظهور دولت عدالت را. من می‌چرخم و همه‌ی یاران را از دوران‌ها به کنار یکدیگر منتقل کرده و این انتقال سریع‌تر از تخت ملکه سبا یاران به

دور هم جمع خواهند شد و درحالی که در پرچم عدالت الهی قرار می‌گیرم با همه‌ی یاران امام مصافحه خواهیم کرد و دست بیعت خواهیم فشرد.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بار الها امام محمد باقر (ع) سعی در عالم نمودن امت مسلمان داشتند، ما را از آن علم و فرهنگ اسلامی برخوردار بفرما.

بار الها مولای ما اکنون حاجی راستین صحرای عرفات است، ما را به برکت وجود مطهرش حجاجی مقبول عنایت بفرما.

بار الها در دولت حقه‌ی امام عصر تعجیل بفرما و ما را جزء یاران و فرمان‌بران و اطاعت‌گران ایشان قرار بده.

اللهم عجل لوليک الفرج